

اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش هفتم



مراء (جدال و کشمکش)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا

جدال یا بگومگو (درگیری لفظی) که بر پایه منطق و استدلال استوار نیست، و می‌تواند زمینه تفرقه و دشمنی را در میان دو نفر یا دو گروه مجادله‌کننده فراهم سازد؛ از نگاه شریعت اسلامی خصلتی ناپسند و ناسازگار با ایمان برشمرده است. و اگر براساس انصاف و دلیل باشد، جدال احسن نام دارد و از نظر قرآن تأیید شده است: **ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْءِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَدَلْ لَهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ** [11] مردم را به راه پروردگارت، با حکمت و اندرز نیکو، دعوت کن و با آنان به گونه ای که نیکوتر است، مناظره کن.

قرآن روش‌های منطقی زدودن عقاید موهوم را از اذهان مردم که دارای این سه ویژگی باشد را می‌پسندد:

1. حکمت: نخستین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید نادرست، تکیه بر برهان و استدلال های عقلی و به تعبیر قرآن، «حکمت» است. حکمت، یعنی کشف حقایق از طریق استدلال های علمی و عقلی است.

2. موعظه: دومین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید موهوم در کنار برهان، موعظه (اندرز) است. موعظه، یعنی: سخنان عبرت انگیز و آموزنده ای که عواطف شنونده را برای پذیرفتن حق تحریک می کند. بنا بر این حکمت از طریق عقل و موعظه از طریق عاطفه، انسان را به دور ریختن باورهای نادرست فرا می خوانند. از این رو قرآن «موعظه» را به صفت نیکو و زیبایی (مانند: زیبایی کلام، زیبایی برخورد، زیبایی انگیزه و حتی زیبایی گوینده) مقید کرده است؛ زیرا موعظه در تحریک عواطف و احساسات درونی برای پذیرش حق، وقتی مؤثر است که خالی از هر گونه زشتی (خشونت، برتری جویی و تحقیر) باشد.

3. مناظره: سومین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید غیر علمی، در کنار روش های گذشته، مناظره (بحث آزاد) است. در قرآن از این روش با واژه های: جدال احسن: ﴿جَدَلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ و تعبیر دوم مرآه ظاهری: ﴿فَلَا تُمَارَ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا﴾ [21] تعبیر شده است. جدال یا مناظره عبارت است از: بحث و گفتگو به صورت منازعه و غلبه جویی، که به عبارتی، کُشتی گرفتن اندیشه ها در بحث و گفتگو است. قرآن از برخوردهای سالم اندیشه ها در مناظره که موجب روشن شدن حقایق و رشد باورهای صحیح می شود

اسلام که آیین همه انبیای الهی است، بنیان گذار بحث آزاد و برخوردهای سالم اندیشه هاست و پیامبر اسلام، به عنوان بزرگ ترین پیام آور الهی در عصری که پیروزی و شکست جز در سایه زور میسر نبود، مسئله مناظره (بحث آزاد) و برخورد سالم اندیشه ها را برای نخستین بار در جامعه آن روز مطرح نمود و خود در این کار پیش قدم بودند.

بر همین اساس اسلام با زور خود را بر مردم تحمیل نکرده، و اگر اسلام از قدرت نظامی استفاده می کند، برای تحمیل عقیده نیست؛ بلکه برای شکستن سدهایی است که مانع رشد باورهای صحیح اند.

روایات شیعی

1. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَدَعَ الْمِرَاءَ وَ إِنَّ كَانَهُ مُحِقًّا» [31] هیچ بنده ای حقیقت ایمان را به دست نمی آورد، مگر آنکه جدال [منفی] را رها کند، هر چند حق با او باشد».

2. امام علی (علیه السلام) فرمود: «ای تَاکُومَ وَاَلِیَّاءَ وَاَلِیَّاءَ وَ الْخُصْمُومَةَ؛ فَانْزَهُمَّ مَا یَمَرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَی الْاِخْوَانِ، وَ یُنْبِتُ عَلَیْهِمَّ الذِّیْفَاقَ: [4] برحذر باشید از جدال و دشمنی؛ زیرا این دو قلب برادران دینی را راجع به هم مریض [بدبین] می‌کند و زمین [رویش نفاق را فراهم می‌سازد].»

روایت اهل سنت

ابودرداء، انس و عده ای می‌گویند روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر ما می‌گذشت و ما در حال جدال بر سر مسئله ای دینی بودیم. آن حضرت این‌گونه با ما برخورد کرد: «پیامبر به جدی عصبانی شد که تاکنون این‌گونه دیده نشده بود؛ سپس فرمود: دست نگه دارید ای امت محمد؛ شعله های آتش را به جان خود نیندازید؛ سپس فرمود: آیا من شما را به این کار دستور داده ام؟ آیا من شما را از این کار نهی نکرده بودم؟ آیا پیشینیان شما به خاطر همین کار نابود نشدند؟ در ادامه فرمودند: جدال و بگومگو را به خاطر اینکه خیر زیادی ندارد رها کنید؛ زیرا نفعش کم است و دشمنی را در میان دوستان ایجاد می‌کند. بگومگو را رها سازید که از فتنه آن امانی نیست و هیچ حکمتی [روشن بینی] را در پی نمی‌آورد. بگومگو را رها سازید که از نظر اعتقادی شک آور است و از نظر عملی هم نابود کننده عمل است. بگومگو را رها کنید؛ زیرا همین گناه شما را بس که جدلکار به حساب آید. بگومگو را رها سازید که با ایمان سازگاری ندارد و از آن پرهیز کنید که جدل کننده قطعاً به تمامی زبان می‌بیند». [5]

پاسخ یک اشکال:

با توجه به جایگاه خطر آفرین جدال، جای این پرسش باقی است که چرا خداوند در قرآن پیامبرش را به جدال کردن با مخالفان دستور می‌دهد؟ البته هرچند این کار را مقید کرده که به طریق نیکو انجام شود.

پاسخ اول: خداوند پیامبرش را دستور می‌فرماید تا در قدم نخست با مخالفان از برهان حکیمانه و سخن نیکو استفاده کند و در مرحله پایانی به جدال، آن هم از نوع نیکوترین آن دستور می‌دهد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: [6] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت از هرکسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده

است و او به هدایت یافتگان داناتر است.

پاسخ دوم: اقدام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به این کار در راستای جو حاکم بر مخاطبان آن حضرت بوده است. علاوه بر اینکه روی ما انسانها در برخوردهای میان جمعیتی بیشتر بر جدال کردن استوار است تا ارائه برهان حکیمانه و موعظه نیکو؛ چنانکه قرآن میفرماید: **وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا**: [71] در این قرآن برای مردم هرگونه داستان [مثل] را بیان کرده ایم؛ ولی آدمی بیش از هر چیز به جدال [درگیری خصمانه] برمیخیزد.

با این شرایط، خداوند برای تأثیرگذاری بیشتر سخنان پیامبرش او را به همان روش مخالفان وادار به مقابله می‌کند. ولی از طرفی چون راه آنان غیرعقلانی و دور از تأیید شرعی است، خداوند با جهت‌دهی صحیح به این روش، در مسیر اصلاح رفتار آنان هم تلاش می‌کند؛ یعنی پیامبر را دستور می‌دهد تا جدال را در حالت احسن (نیکوترین) آن اجرا کرده و از هرگونه بی‌عدالتی و انصاف‌گریزی و باطل‌گرایی دوری کرده و سعی در نیکو برگزار کردن آن کند تا پایانی خوب، همراه با دوستی و معرفت را به بار آورد؛ از این رو قرآن کریم جدال غیراحسن را به شدت نکوهش می‌فرماید: **وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِشْرًا لِجَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَمَّ مُونَ**: [81] و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او، و این سخن را جز برای جدال با تو نگفتند. بلی، به راستی که آنان مردمی ستیزه‌جویند.

قرآن کریم مسلمانان را از هرگونه توهین به مقدسات دیگران نهی می‌کند که نتیجه آن حرمت این کار است: **وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِيَّايَ رَبَّهُمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**: [91] و دشنام ندهید آنانی را که غیرخدا را می‌خوانند تا دشنام دهند خدا را ستمگرانه به نادانی. بدین گونه آراستیم برای هر گروهی کردار ایشان را سپس به سوی پروردگار ایشان است بازگشتشان تا آگاهی‌شان دهد به آنچه می‌کردند.

[11]. «وَ جَادَلَهُمْ بِالآيَاتِ هِيَ أَحْسَنُ؛ و ای پیامبر با آنان به روش نیکو جدال کن». (نحل:

125).

[2]. كهف: 22.

[3]. رى شهرى، منتخب ميزان الحكمة، رقم 5789.

[4]. كلينى، الكافى، ج ٢، ص 300، ح 1.

[5]. (فَعَضَبَ غَضَبًا شَدِيدًا لَمْ يَغْضَبْ مِثْلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَهْ مَهْ يَا أُمَّةَ مُجَاهِدٍ، لَاتَهَيِّجُوا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ وَهَيِّجِ النَّارَ؛ ثُمَّ قَالَ: أَبْهَذَا أُمِرْتُمْ؟ أَوَلَيْسَ عَن هَذَا نُهَيْتُمْ؟ أَوَلَيْسَ أَنْزَمًا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ هَذَا؟ ثُمَّ قَالَ: ذَرُّوا الْمِرَاءَ لِقِلَّةِ خَيْرِهِ، فَإِنَّ نَفْعَهُ قَلِيلٌ وَ يُهَيِّجُ الْعَدَاوَةَ بَيْنَ الْإِخْوَانِ. ذَرُّوا الْمِرَاءَ فَإِنَّ الْمِرَاءَ لَا تُؤْمَنُ فِتْنَتُهُ، وَ لَا تُعْقَلُ حِكْمَتُهُ. ذَرُّوا الْمِرَاءَ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الشُّكَّ وَ يَحْبِطُ الْعَمَلَ. ذَرُّوا الْمِرَاءَ فَكَفَاكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُجَارِبًا؛ وَ ذَرُّوا الْمِرَاءَ؛ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُجَارَى. ذَرُّوا الْمِرَاءَ؛ فَإِنَّ الْمُجَارِيَ قَدْ تَمَّتْ خِسَارَتُهُ). متقى هندی، كنز العمال، ج ٣، ص 882، ح 9025.

[6] نحل: 125.

[7] كهف: 54.

[8]. زخرف: 58.

[9]. انعام: 108.